



– در جمله، ضمائر پیوسته (متصل) در سه نوع نقش دستوری ظاهر می‌شوند:

#### الف) مفعول

نمونه: ای صبح دم، ببین که کجا می‌فرستم نزدیک آفتاب وفا می‌فرستم خاقانی

می‌فرستم (تو را می‌فرستم) ← ت (تو): مفعول

آن که عمری می‌دویدم در پی او سو به سو ناگهانیش یافتم با دل نشسته روبه رو شمس مغربی

ناگهانیش یافتم (او را یافتم) ← ش (او): مفعول

#### ب) متمم

نمونه: گوش کن پند، ای پسر، وز بهر دنیا غم مخور گفتمت چون دُر حدیثی گر توانی گوش داشت حافظ

گفتمت (به تو گفتم) ← ت (تو): متمم

چو یار نیست به تسکین خلق نتوان زیست که دوستان اگر م دل دهند، جان ندهند امیرخسرو دهلوی

اگر م دل دهند (اگر دل به من دهند) ← م (به من): متمم

#### پ) مضاف‌الیه

حسن به اتفاق ملاحظت جهان گرفت آری به اتفاق جهان می‌توان گرفت حافظ

حسنت (حُسن تو) ← ت (تو): مضاف‌الیه

لاله دیدم، روی زیبای تو ام آمد به یاد شعله دیدم، سرکشی‌های تو ام آمد به یاد رهی معیری

آمد به یاد م (یاد من) ← م (به من): مضاف‌الیه

#### □ نمونه‌ای از کاربرد ضمائر متصل بیابید و نقش دستوری آنها

کج در بیت: «هر آن که جانب اهل وفا نگه دارد خداش در همه حال از بلا نگه دارد»، ضمیر پیوسته «ش» نقش مفعولی دارد و جایگاه

اصلی آن در بیت این گونه است: «خدا در همه حال از بلا نگهش دارد»، ← (خدا او را نگه دارد).

یا

کج در بیت: «دلا معاش چنان کن که گر بلغزد پای فرشته‌ات به دو دست دعا نگه دارد»، ضمیر پیوسته «ت» نقش مفعولی دارد و جایگاه

اصلی آن در بیت این گونه است: «فرشته به دو دست دعا نگه‌ات دارد یا نگه دارت»، ← (فرشته تو را نگه دارد).

یا

کج در بیت: «گرت هواست که معشوق نگیسلد پیمان نگاه دار سر رشته تا نگه دارد»، ضمیر پیوسته «ت» در اصل مضاف‌الیه «معشوق»

است. شکل مرتب شده آن، اینگونه است: «اگر هوای آن داری که معشوق تو پیمان نگیسلد»

یا

کج در بیت: «صبا بر آن زلف ار دل مرا بینی ز روی لطف بگویش که جا نگه دارد»، ضمیر پیوسته «ش» نقش متممی دارد.

(به او بگو)